

حل و فصل مسائل ایران
و آمریکا پس از جنگ غزهاحمد دستمالچیان
سفیر پیشین ایران
در لبنان

در حال حاضر دو دیدگاه در مورد نقش آمریکا در شرایط جاری خاورمیانه وجود دارد. عده‌ای از تحلیل‌گران و ناظران معتقدند که آمریکا و ایران در حال تلاش برای مدیریت بحران هستند. در این دیدگاه به نظر می‌رسد یک اشتراک نظر میان ایران و آمریکا وجود دارد که برخلاف نتایجی که می‌خواهد بحران را گسترش بدهد تا سرنوشت سیاسی خودش را نجات دهد، تهران و واشنگتن بنا به مصالحی تمایلی به گسترش منازعه ندارند. البته انگیزه‌های ایران و آمریکا متفاوت است. ایران دلایل و انگیزه‌های خاص خودش را دارد و آمریکا هم انگیزه‌های خودش را دارد. گفت‌وگوهای مستقیم و غیرمستقیم ایران و آمریکا برای جلوگیری از توسعه تنش در منطقه از دوران ریاست جمهوری شهیدسید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فقید ایران آغاز شده بود. به نظر من اکنون فرصت مناسبی است که با ایجاد ارتباط میان تهران و واشنگتن اجازه داده نشود کنترل از دست خارج شود. قطعاً اگر جنگ گسترده‌ای در منطقه در بگردد نه تنها منافع ایران، بلکه منافع آمریکا هم به شدت به خطر خواهد افتاد. با توجه به پیش‌بینی اوضاع خطرناک پیش رو، ضروری است آمریکا با ابتکار عمل با طرف‌های مؤثر در منطقه وارد گفت‌وگو ایجابی شود. گرچه آمریکا اکنون در آستانه انتخابات است و تمرکز دولت به شدت بر امور داخلی مشغول است، ولی من معتقدم مسلماً بعد از برگزاری انتخابات آمریکا، واشنگتن بیش از پیش برای مهار تنش و بحران در منطقه خاورمیانه فعال خواهد شد و وارد مذاکره و گفت‌وگو می‌شود.

البته دیدگاه دیگری هم وجود دارد که عده‌ای از ناظران و تحلیل‌گران معتقدند اسرائیل در واقع مجری اوامر آمریکا است و آنچه اسرائیل در خاورمیانه انجام می‌دهد، پیش‌بردن خواسته‌ها و نقشه‌های آمریکا در خاورمیانه است. من با این دیدگاه چندان موافق نیستم. به نظر من هیچ زمینه و اراده‌ای برای درگیری و رویارویی مستقیم از سوی آمریکا وجود ندارد. بر اساس رویکرد مدیریت و مهار بحران آمریکا قصد دارند به ریسک پرخطر مواجهه با ایران دست بزنند و مادامی که آمریکا چنین نیتی نداشته باشد، ایران نیز تمایلی به ورود به چنین درگیری‌ای ندارد. چنین رویارویی در صورتی امکان‌پذیر است که بحران در منطقه کاملاً از مدیریت خارج شود و در آن صورت شرایط فرق خواهد کرد و معلوم نیست چه وضعیتی در انتظار خاورمیانه است. اما تازمانی که مدیریت بحران از سوی دو طرف اجرا می‌شود، هیچ دلیلی بر درگیری مستقیم میان ایران و آمریکا در منطقه وجود ندارد.

برای توقف درگیری‌های جاری در خاورمیانه نخستین اقدام مؤثری که آمریکایی‌ها باید انجام بدهند این است که جلوی جنایت‌های بی‌شمار اسرائیل را در خاورمیانه بگیرند. همه دنیا یکصدا نسبت به اقدام‌های اسرائیل در منطقه معترض هستند و آن را مخالف قواعد و قوانین بین‌المللی و بشردوستانه می‌دانند. تردیدی نیست که نقطه جوش بحران جاری در خاورمیانه جنگ اسرائیل در غزه و به تازگی لبنان است. هم آمریکا و هم متحدان غربی‌اش اتفاق نظر دارند که باید جنگ غزه تمام شود و مسیر کمک‌های بشردوستانه به مردم غزه باز شود و آتش‌بس برقرار شود. تقریباً تمامی رهبران جهان، نه فقط کشورهای مسلمان، بلکه کشورهای غربی و حتی آمریکا دائماً نیاز به برقراری آتش‌بس در غزه را به عنوان پیش‌نیاز توقف منازعه دست کم در لفظ بیان می‌کنند. نقطه جوش بحران جاری در خاورمیانه جنگ غزه است. اگر کشورهای منطقه، ایران و آمریکا با همکاری سایر کشورهای جهان با تعامل و همکاری بتوانند نتایج را رام کنند و جلوی استمرار این جنگ را بگیرند، به نظر من مسائلی که بین ما و آمریکا وجود دارد در یک فرآیند مذاکره‌ای قابل بررسی است و می‌توان آنها را همانگونه که پیشتر در قالب برجام انجام شد، در چارچوب منافع ملی کشور در همان چارچوب برجام مجدداً بررسی کرد و مورد حل و فصل قرار داد.

تعامل یا رویارویی؟

بررسی امکان همکاری ایران و آمریکا در میانه شعله‌های آتش کنونی در خاورمیانه در گفت‌وگو با کارشناسان



عکس: WhiteHouse

یک سال پس از آغاز جنگ در غزه، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران دو بازیگر اصلی و تاثیرگذار در این منازعه هستند. به همین دلیل در گفت‌وگو با تعدادی از کارشناسان برجسته ایرانی و آمریکایی تلاش کردیم به این سوال پاسخ دهیم که آیا زمینه‌ای برای همکاری میان ایران و آمریکا برای مهار تنش در منطقه خاورمیانه وجود دارد یا نه؟ دو دیدگاه عمده به تنش کنونی وجود دارد: نخست اینکه تهران و واشنگتن به‌عنوان حامی اصلی محور مقاومت و اسرائیل می‌توانند متحدان خود را برای کاهش تنش تحت فشار قرار دهند، دیدگاه دوم این است که اسرائیل و محور مقاومت نه‌فقط به‌عنوان متحدان ایران و آمریکا، بلکه به‌عنوان نیروهای نیابتی در حال یک جنگ نیابتی با یکدیگر برای تأمین منافع ایران و آمریکا هستند. در هر دو دیدگاه، نقش تهران و واشنگتن در منازعه جاری قابل توجه است.

مدافعان دیدگاه اول که بخش بزرگی از ناظران و تحلیل‌گران را تشکیل می‌دهند، معتقدند که ایران و آمریکا، هر یک به خاطر منافع و انگیزه‌هایی که دارند مخالف گسترش تنش در منطقه هستند و در شرایطی قرار گرفته‌اند که متحدان‌شان وارد یک منازعه گسترده شده‌اند، به همین دلیل این دو طرف می‌توانند با یکدیگر تعامل کنند تا جلوی گسترده‌تر شدن منازعه را در منطقه بگیرند و حتی برای رسیدن به آتش‌بس و توقف درگیری‌ها با یکدیگر همکاری کنند.

در میان کارشناسانی که با آنها گفت‌وگو کردم، مایکل وحید هانا، پژوهشگر اندیشکده گروه بحران و احمد دستمالچیان، سفیر پیشین ایران در لبنان معتقدند که ایران و آمریکا انگیزه‌های متفاوتی برای جلوگیری

از محور مقاومت به محور سازندگی

رودخانه لیبانی عقب‌نشینی کند و تبادل موشک و راکت بین دو طرف متوقف شود. از حماس می‌خواستیم که آتش‌بس را بپذیرد و گروه‌های اسرائیلی را آزاد کند. از شبه‌نظامیان عراقی و حوثی‌ها می‌خواستیم که با پایان منازعه موافقت کنند و از آمریکا برای گفت‌وگوهای مستقیم در خصوص مسائل منطقه‌ای و در عین حال پرونده هسته‌ای دعوت می‌کردم. چنین اقدام‌هایی باعث می‌شود که اسرائیل به‌عنوان یک جنگ‌طلب منزوی شود.

دولت آمریکا به دلیل نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در شرایط سختی قرار دارد و نوعی بی‌میلی در دولت وجود دارد که باعث می‌شود هیچ اقدامی انجام ندهد که بخت انتخاب کاملاً هریس را به مخاطره بیندازد. اما این بی‌میلی به معنای آن نیست که

برای ایران و آمریکا این زمینه وجود دارد که با یکدیگر برای کاهش تنش در خاورمیانه تلاش کنند. تشدید تنش جاری در منطقه برای همه خطرناک است. اگر من جای دولت ایران بودم، این سیگنال را ارسال می‌کردم که آمادگی پذیرش راهکار دودولتی را که از طریق دیپلماسی و نه جنگ به دست بیاید، دارم؛ از حزب الله می‌خواستیم تا آنگونه که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۷۰۱ خواسته است به ازای خروج اسرائیل از جنوب لبنان به شمال

رد و بدل می‌شود به معنای فرصتی مناسب برای همکاری میان دو کشور تلقی می‌شود، بلکه در واقع ایران و آمریکا به موازات یکدیگر در حال تلاش برای اجتناب از یک جنگ فرآگیر منطقه‌ای هستند. از جانب ایران این امید وجود دارد که دولت بایدن بتواند اسرائیل را مهار کند و از طرف دیگر ایالات متحده به دنبال این است که این پیام را به ایران برساند که تهران و متحدان منطقه‌ای‌اش تنش‌ها را کاهش دهند و فشار بیشتری برای عملیات تلافی‌جویانه بیشتر وارد نکنند. در عین حال نباید فراموش کرد که تقویم و فضای سیاسی در آمریکا، چند هفته مانده به انتخابات یک متغیر بسیار مهمی محسوب می‌شود. تردیدی وجود ندارد که دولت بایدن می‌خواهد از یک منازعه وسیع منطقه‌ای که باعث کشیده شدن پای آمریکا به منطقه شود اجتناب کند اما در فضای انتخاباتی با محدودیت‌هایی برای ارتباط با ایران مواجه است.

دو خط موازی در یک جهت

مایکل وحید هانا
مدیر برنامه آمریکایی
اندیشکده گروه بحران

من تصور می‌کنم که دولت بایدن کاملاً بر کاهش تنش در منطقه تمرکز کرده است و ایران یکی از مسائل اصلی این تلاش‌ها است. در طول یک سال گذشته مجموعه متنوعی از پیام‌رسانی‌ها و ارتباط‌های غیرمستقیم میان ایران و آمریکا در جریان بوده است. کانال‌های موجود برای ارتباط ایران و آمریکا یکی از ابزارهای بسیار مهم برای مدیریت انتظارات در مورد مسائل جاری در منطقه بوده است. به‌رغم تماس‌های جاری میان ایران و آمریکا اشتباه است اگر تصور کنیم که وضعیت جاری در منطقه و پیام‌هایی که

چشم‌اندازی برای تعامل تهران و واشنگتن وجود ندارد

مشاهده کرده‌ام، پیام‌های خود را به طرف غربی در قالب هشدار ارائه می‌دهد و نه در قالب آمادگی برای تعامل. ایران به صورت علنی بیان می‌کند که اگر دامنه جنگ به ایران گسترش پیدا کند، ایران به شکل گسترده‌ای به آن پاسخ خواهد داد. به نظر من الان دو طرف برای تغییر خطوط قرمز و ترسیم خطوط قرمز جدید در حال تلاش هستند. به همین دلیل مادامی که چنین فرآیندی در جریان است و تحولات میدانی خطوط سیاسی را تغییر می‌دهد، فکر نمی‌کنم چشم‌انداز واقعی برای کاهش تنش وجود داشته باشد. تنها حوزه قابل تعامل، مسئله خود ایران است و ملاحظاتی که واشنگتن دارد این است که جنگ به یک جنگ مستقیم بین ایران و اسرائیل تبدیل نشود، وگرنه عملیات گام به گامی که اسرائیل در قالب عملیات‌های محدود علیه متحدان ایران ادامه می‌دهد، مورد حمایت ایالات متحده آمریکا است، اما اختلاف سر این است که اگر اسرائیل واکنش شدید به عملیات نظامی اخیر ایران نشان بدهد و این واکنش برای قواعد درگیری مرسوم باشد، آنگاه ممکن است همین دستاوردهایی که اسرائیل تا به امروز به دست آورده به خطر بیفتد و از آن مهم‌تر برای واشنگتن این است که ممکن است منافع آمریکا در منطقه به خطر بیفتد. به همین دلایل من چشم‌اندازی برای تعامل ایران و آمریکا نمی‌بینم. باید توجه کنیم که به دلیل نزدیک شدن به انتخابات، تمرکز ایالات متحده بر انتخابات ریاست جمهوری چند هفته‌ای دیگر است و علاقه‌مند نیست که در حوزه سیاست خارجی تنش بزرگی رخ بدهد که تاثیرهای قابل توجه و مستقیمی روی منافع آمریکا بر جا بگذارد، به شکلی که نیاز به مداخله مستقیم چه گسترده و چه محدود از سوی ایالات متحده باشد. به هر حال آمریکا علاقه‌مند

با استفاده از آنها اسرائیل را به سمت آتش‌بس سوق بدهد، یا ناکام ماند یا اینکه برخی اهرم‌های قدرتمندتر مانند توقف ارسال سلاح به اسرائیل به دلیل ملاحظات داخلی هرگز عملی نشدند. عامل دوم این بود که بعد از تحولاتی که در یک ماه اخیر رخ داد و شاهد تغییر قابل ملاحظه‌ای در رویکرد آمریکا نسبت به مسئله جنگ هستیم و با توجه به دستاوردهایی که اسرائیل در میدان به دست آورده است و ضرباتی که به حزب الله وارد کرده است و این امید را در واشنگتن ایجاد کرده است که پروژه‌ای که ایالات متحده آمریکا سال‌ها برای لبنان دنبال می‌کرد و نتوانست به شکلی که می‌خواست عملی کند، اکنون توسط اسرائیل در حال به نتیجه رسیدن است، واشنگتن این تحولات را به‌عنوان ابزاری برای تضعیف محور ایران در منطقه مشاهده می‌کند. همانگونه که نتایج بعد از ترور سید حسن نصرالله عنوان کرده بود، از دیدگاه اسرائیل و واشنگتن این وقایع می‌تواند حرکتی به سمت یک نظم جدید در منطقه باشد. گزارش‌هایی که منتشر شده است نشان می‌دهد تا پیش از حملات اخیر اسرائیل به لبنان، مشاوران بایدن به نتایج برای این اقدام‌ها چرخ‌سبز نشان دادند. به نظر می‌رسد که این اقدام‌ها در راستای منافع آمریکا انجام می‌شود. تا زمانی که واشنگتن این پتانسیل را در اسرائیل ببیند که موازنه قوا را در منطقه به نفع خودش تغییر دهد، آمریکا هیچ تمایلی برای کاهش تنش نخواهد داشت.

به نظر من در طرف ایرانی هم با در نظر گرفتن موقعیتی که متحدان ایران و به خصوص حزب الله در آن قرار گرفته‌اند، به شکلی است که ابراز تمایل به دیپلماسی و تغییر به ضعف می‌شود و به همین دلیل ایران هم تا جایی که من

حمیدرضا عزیزی
پژوهشگر موسسه امور
بین‌الملل و امنیت آلمان

با توجه به جمع شرایط خیلی فضایی برای گفت‌وگو و کاهش تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا فراهم نیست. فاکتورهایی در هر دو کشور وجود دارد که باعث می‌شود در شرایط کنونی امکان گفت‌وگو و مذاکره میان ایران و آمریکا وجود نداشته باشد. در طرف آمریکا رویکرد واشنگتن نسبت به اقدام‌های اسرائیل در منطقه، نه‌فقط در غزه و به‌ویژه با توجه به بازخوردهایی که مقام‌های آمریکایی نسبت به رخداد‌های اخیر در لبنان نشان دادند، تغییر کرده است. من معتقدم که رویکرد آمریکا نسبت به آنچه در چند ماه ابتدایی جنگ غزه شاهد بودیم تغییر کرده است. در حال حاضر تاکیدها و تلاش‌هایی که در طرف آمریکایی در جریان بود که آتش‌بس برقرار شود و اوضاع به ثبات برسد، دیگر وجود ندارد. این مسئله دو دلیل اصلی دارد. نخست اینکه با توجه به تحولات یک سال گذشته در غزه و مذاکراتی که چند بار تا آستانه آتش‌بس پیش رفت، برای آمریکا مشخص شد که ملاحظات داخلی بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر اسرائیل به صورتی است که نمی‌خواهد آتش‌بس برقرار شود و قصد دارد در هر شرایطی عملیات خود را ادامه دهد. به همین دلیل اهرم‌هایی که ایالات متحده آمریکا تصور می‌کرد می‌تواند